

از لابلای یادداشت ها و نبشته های روزمره ام

## آرمان تحقق صلح و تأمین امنیت در کشور

نتایج توافقنامه صلح ایالات متحده با "طالب"ها  
پیامدهای انجام معامله با گروه های شورشی

پروسه صلح و همه شمول بودن امر مصالحه  
مقابله و رویارویی بکجا خواهد انجامید؟  
عدم کارایی سیاست حذف دیگران  
مبنای حقوقی و بنیاد سیاسی

برقراری صلح و امنیت چه در داخل محدوده کشورها و چه در عرصه بین المللی از کهنترین آرمان های بشر بوده است. مفهوم صلح و امنیت با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحول گردیده است. تا قبل از تحولات اخیر در روابط بین المللی، صلح و امنیت بمعنای رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، رعایت مصونیت کشورها و نماینده های آنها، احترام به تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تلقی می گردید، لیکن جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت گردید. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر نموده و از جنبه نظامی به حوزه های دیگر از جمله فقر، گرسنگی، تروریزم، مهاجرت های بی رویه، محیط زیست و نقض حقوق بشر سرایت نموده است.

در مبحث کنونی قبل از همه باید یادآور شد که در اوایل ماه روان سال حاضر شاهد گفتگوی تلفونی میان واشنگتن و دوحه بودیم. در یک طرف خط تلفون، از جانب ایالات متحده دونالد ترامپ رئیس جمهور آن کشور و در طرف دیگر خط هم از جانب "طالب"ها ملا عبدالغنی برادر از رهبران گروه یادشده قرار داشت. در امتداد دودهه پسین، دونالد ترامپ یگانه رئیس جمهور ایالات متحده میباشد که با یکی از جمله رهبران بلند پایه "طالب"ها تلفونی صحبت نمود. مکالمه یادشده مطابق اظهارات نماینده "طالب"ها، بمدت ۳۵ دقیقه بطول انجامید. همچنان طبق گفته های نطق گروه نامبرده، دونالد ترامپ به ملا برادر اطمینان داد که مایک پامپو را مؤظف نمود تا به کابل رفته و با اشرف غنی در مورد رفع هرگونه مشکل و موانع موجود بر سر راه مذاکرات بین افغانی صحبت نموده و در رفع آنها اقدام نماید. نامبرده همچنان از معاونت ایالات متحده در اعمار مجدد افغانستان نیز وعده سپرد.

طی ماه پسین، امریکایی ها سند های دوگانه ای را امضا نمودند: یکی در دوحه با "طالب"ها در مورد خروج قوت های نظامی خارجی از سرزمین متعلق به افغانستان طی مدت زمان ۱۴ ماه و دیگری هم نشر اعلامیه مشترک با جانب دولت افغانستان در کابل در مورد ضرورت و اهمیت مذاکرات با "طالب"ها و تداوم مبارزه با تروریزم.

با این حال، چنین بنظر میرسد که امریکایی ها در حصول توافق ها عجله دارند. نباید فراموش نمود که

تفاوت های قابل توجهی در زمینه نیز به چشم می خورد. بگونه مثال، در توافقنامه با "طالب" ها تذکر بعمل آمده بود که بتاريخ ۱۰ مارچ سال روان، ملاقات و گفتگوهای بین افغانی آغاز می گردد که با آغاز چنین گفتگوهایی بتعداد ۵ هزار زندانی "طالب" و همچنان بتعداد یکهزارتن از سربازان قوای مسلح کشور از زندان ها رها خواهند گردید. چنین ادعا گردید که تبادل زندانیان یادشده بمنظور تحکیم اعتماد متقابل و بمنظور آغاز مذاکرات بین افغانی، حتمی و لازمی پنداشته می شود. سردرگمی در مورد، بلافاصله زمانی محسوس گردید که دولت افغانستان اظهار داشت قصد ندارد تا قبل از آغاز مذاکرات، زندانی های "طالب" را از بند رها نماید. "طالب" ها نیز بنوبه خویش این موضوع را باطلاع همگان رسانیدند که مذاکره با دولت را اصلن آغاز نخواهند نمود، مگر اینکه نخست زندانیان آنها از حبس رها گردیده و در چنین وضعیتی و بارهایی زندانیان شان، مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی آغاز خواهد گردید. عبدالسلام حنفی، معاون دفتر قطر "طالب" ها یادآور گردید که اگر قبل از مذاکرات، زندانیان آنها از حبس رها نگردند، اصل گفتگوهای بین افغانی مورد سؤال قرار خواهد گرفت. عدم توافق طرف های مطرح در مورد خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی افغانستان، ممکن معضلاتی را فراراه مسیریادشده بوجود آورد. همه شاهد بودند که به مجرد سپری گردیدن یک هفته کاهش خشونت، عملیات و فعالیت های "طالب" ها علیه قوت های مسلح کشور از سر گرفته شد.

ساعاتی پس از گزارش، "طالب" ها در میدان فوتبالی در ولایت خوست، مواد منفجره جا داده شده در موتر سایکلی را انفجار دادند که در نتیجه آن ۳ نفر کشته شده و بتعداد ۱۱ تن هم زخم برداشتند. هیچکسی و هیچ گروهی مسؤلیت حادثه یادشده را بر عهده نگرفته و اما پنتاگون نیز در چنین وضعیتی، با نشر اعلامیه ای متذکر گردید که هیچگونه مانعی در مسیر برگشت و عودت قوت های نظامی امریکایی از افغانستان اصلن موجود نمی باشد.

اما این مسأله قابل ذکر می باشد که "طالب" ها از هرگونه ارتباط و مناسبات با "القاعده" باید منصرف گردند. قابل یاددانهی پنداشته میشود که توافق در مورد خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی کشور ما تحت عنوان "اعلامیه مشترک صلح افغان - امریکا" مسمأ گردید. موافقتنامه یادشده طی آخرین روز سال پارتوسط خللی خلیل زاد و ملا عبدالغنی برادر عقد گردید. در مراسم عقد توافقنامه یادشده، مایک پامپو وزیر امور خارجه ایالات متحده نیز شرکت ورزیده اما از امضای درپای توافقنامه متذکره ابا ورزید. بسیاری از امریکایی ها، توافقنامه یادشده را تاریخی و مهم محسوب نمودند. اما شناخت هواداران ترامپ آنقدرها هم سهل و آسان نمی باشد. در ایالات متحده امیدوارند تا این امکان میسر گردد که طولانی ترین جنگ تاریخ آن کشور که در سال ۲۰۰۱ آغاز و اینک وارد ۱۹مین سال گردیده و در نتیجه ۳۵۰۰ تن از نظامیان امریکایی و نیروهای هم پیمان آن و بیشتر از ۱۰۰ هزارتن از هموطنان افغان ما زندگی شان را از دست داده و قرار بر آوردها یک تریلیون دالر طی مدت زمان یادشده بمنظور تداوم عملیات محاروبی هزینه گردید، خاتمه یافته و بیشتر از این، به عملیات نظامی، کشتار انسان ها و ویرانی بیشتر کشور ما نقطه پایان گذاشته شود. در بحبوحه جنگ در کشور ما، بیشتر از ۱۰۰ هزارتن از نظامیان امریکایی و چندین هزار نظامی تادندان مسلح ناتوشامل در مجموعه استخوان بندی نیروهای بین المللی که ستون فقرات آنها را امریکایی ها تشکیل می دادند، بمنظور مبارزه علیه تروریسم بین المللی وارد اراضی کشور عزیز ما گردیدند.

در آستانه امضای اعلامیه، همراه با اینس ستولینبرگ منشی عمومی ناتو، مارک اسپروزیردفاع ایالات متحده نیز بکابل سفر نمود. شخص اخیر الذکر در ضمن اظهار نمود که در نهایت امر، به رهبری دونالد ترامپ قادر گردیدیم تا در امر خاتمه بخشیدن به طولانی ترین جنگ تاریخ ایالات متحده به مؤفقیت هایی نایل آئیم. نامبرده ادامه داده افزود که امضا و نشر اعلامیه مشترک ایالات متحده و جمهوری اسلامی افغانستان، در نوع خود به نقطه عطفی در پروسه صلح مبدل گردیده است. وی همچنان افزود که دولت افغانستان باید در میز مذاکره با "طالب" ها حضور یافته و مبارزه علیه تروریسم بین المللی را نیز همچنان ادامه دهد. نامبرده یادآور گردید که واشنگتن بنوبه خویش در احیای مجدد افغانستان، سهمگیری فعال آن کشور را وعده می دهد.

در توافقنامه ایالات متحده و "طالب" ها تذکر بعمل آمده که باید تمامی قوت های نظامی خارجی سرزمین

افغانستان را در طول مدت زمان ۱۳۵ روز ترک نموده و تعداد مجموعی نظامیان امریکایی از ۱۲ هزار تن به ۸۶۰۰ تن کاهش یابد.

"طالب"ها از جانب خویش سلسله شرایط و ضوابط مطرح شده را باید مراعات نموده و بویژه با عمل مکلفیت‌هایی متوسل گردند که قبلاً از اجرای آن‌ها می‌پورزیدند. بگونه مثال آنها باید هرگونه رابطه و تماس‌های شان را با "القاعده"، "دولت اسلامی" و سایر گروه‌های تروریستی مورد بازنگری قرار داده و در مورد قطع کامل چنین تماس‌هایی با اقدامات عملی متوسل گردیده و در مورد عدم موجودیت خطر و عدم تهدید منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش تضمین ارائه نمایند.

"طالب"ها با وضاحت و در عمل باید اثبات نمایند که نیروهایی که بمثابة تهدید کننده منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش پنداشته می‌شوند، در سرزمین و اراضی متعلق به افغانستان هرگز اجازه فعالیت نداده و مانع عملکردهای ضد امریکایی گردند. رهبری "طالب"ها باید سعی ورزند تا از هرگونه همکاری و تشریک مساعی جنگجویان آن گروه با دسته بندی‌های تروریستی جلوگیری بعمل آورند. مسأله مهم دیگر از جمله یکی هم مذاکرات و گفتگوهای بین افغانی می‌باشد که در زمینه اقدامات مؤثری بمنظور ختم جنگ ۴۰ ساله در افغانستان صورت عملی بخود اختیار نماید. دولت مرکزی افغانستان و "طالب"ها در مورد مهمترین مسائلی باید با هم کنار آیند که از جمله می‌توان از تقسیم قدرت و مراعات نمودن آتش بس و استقرار صلح همه شمول دایمی در کشور نامبرد. یکی از جمله همکاران و مشاوران رئیس جمهوری ایالات متحده اظهار داشت که اگر مذاکرات به شکست مواجه گردد، جانب امریکایی در مورد خروج و فرا خواندن نظامیان آن کشور از افغانستان، هیچگونه مکلفیت و مسئولیتی را بر عهده نخواهند گرفت. آیا دونالد ترامپ بمنظور تداوم دوره ریاست جمهوری اش، فرا خواندن نظامیان آن کشور از افغانستان را در دستور روز قرار خواهد داد؟ در مورد، باید چنین پاسخ ارائه گردد که نامبرده در مورد فرا خواندن نظامیان کشورش از افغانستان حق بجانب پنداشته میشود، چه چنین امری را یک ضرورت می‌پندارند. بهر حال، شخص ترامپ، خودش در توافق حاصله با "طالب"ها، بیشترین نفع را کمایی خواهد نمود. بنابراین، بازگشت هزاران نظامی امریکایی بخانه، در نوع خود برای کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری برای ترامپ از نکات مثبتی محسوب می‌گردد. مخالفان رئیس جمهور ترامپ چنین می‌پندارند که به منظور دستیابی به دومین دور ریاست جمهوری، دونالد ترامپ برای انجام هرکاری، حتا فراموش نمودن از دست دادن زندگی و حیات هزاران نظامی کشته شده در افغانستان و انجام معامله با تروریزم حاضر و آماده می‌باشد.

اما طرفداران و هواداران ترامپ ادعا می‌نمایند که خاتمه بخشیدن به طولانی‌ترین جنگ در تاریخ ایالات متحده، حتا قبل از ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، توسط دونالد ترامپ مطرح گردیده بود. بهر حال، اعلامیه‌ها و اظهارات دونالد ترامپ در مورد فرا خواندن هرچه زودتر قوت‌های نظامی امریکایی از افغانستان و بدنبال آنها، تکذیب دیپلومات‌ها و نظامیان، سرانجام روند استقرار صلح در کشور ما را به پروسه‌ای مبدل نمود که شخص رئیس جمهور با چنین حالتی، مورد تمسخر قرار نخواهد گرفت؟ حتا بفرض اینکه بیشترین بخش "طالب"ها و رهبران آنها خواهان صلح و قطع جنگ می‌باشند، اما در مورد نباید فراموش نمود که گروه نامبرده بصورت یکپارچه نبوده بلکه به گروه‌های متعددی منقسم می‌گردند و این واقعیت بوضاحت کامل مفهوم است که رهبران آنها بر صفوف و رده‌های پایینی گروه یاد شده اصلن نظارت کامل نداشته و از تأثیرگذاری لازم بر آنها برخوردار نمی‌باشند. در میان بسیاری از آنها مجاهدینی قرار دارند که اصلن بفرکر مبارزه با "القاعده" و "دولت اسلامی" نبوده بلکه خواهان تشکیل و ایجاد وحدت و یگانگی در امر مبارزه علیه آنها می‌باشند تا علم "جهاد" را بر افراشته نگهداشته و جنگ را با همه شاخ و پنجه آن همچنان ادامه دهند.

در مورد مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی نیز مشکلات فراوانی وجود دارد. ملاقات و مذاکرات یاد شده بتاريخ دهم ماه مارچ سال روان پیشبینی گردیده بود، اما بنا بر موجودیت مشکلاتی، چنین گفتگوها صورت نگرفت.

در مورد موقعیت مبهم اشرف غنی باید یادآور شد که مذاکرات بین افغانی که قرار بود بتاريخ دهم ماه مارچ سال روان تدویر یابد، بدلیل عدم پیشرفت در آزادی زندانیان هر دو جانب به تعویق افتاد. اما در ایالات

متحدہ کم نیستند تعداد افراد و اشخاصی کہ متیقن بہ تطبیق عملی موافقتنامہ حاصلہ با "طالب" ہاباشند۔  
آنها چنین میپندارند کہ دولت افغانستان می تواند با "طالب" ہا درمورد تقسیم قدرت کنار آید، اما اساس  
و بنیادی بمنظور ایجاد شک و تردید درمورد نیز وجود دارد۔ طی مدت زمان دہ سال تداوم پروسہ صلح  
درکشور، "طالب" ہا از ہر نوع گفتگو و مذاکرہ با دولت افغانستان خودداری ورزیدہ و آنرا دست نشانده  
امریکا محسوب می نمودند۔

اما خاطر نشان باید نمود کہ سناریوہای بعدی انکشاف اوضاع درکشور کاملن معدود می باشد۔ بگونہ  
مثال "طالب" ہا می توانند با طرفداران و متحدین غنی و تمامی نیروہای سیاسی موجود درکشور بہ مذا  
کراتی درمورد تشکیل و ایجاد دولت ائتلافی مبادرت ورزیدہ و پس از خروج نظامیان خارجی ازکشور،  
دولت را با استفادہ از قوہ قہریہ متصرف گردند۔ آنها بمنظور دستیابی بہدفع یادشدہ، نیروی کافی نیزدر  
اختیار دارند۔

بہرحال، چنین چیزی قبلن درواشنگتن نیز اتفاق افتادہ است۔ دوسال پس از امضای قرارداد صلح پاریس  
درسال ۱۹۷۳، قوت های مسلح ویتنام شمالی، جنوب ویتنام را نیز متصرف گردیدند۔ توسط بسیاری ہا  
چنین پیشبینی میگردد کہ حاکمیت سیاسی درکشور ما نیز بیش از مدت زمان معدودی دوام نخواہد آورد  
و این تداوم ممکن صرف چندین ماہ بدرازا کشد۔

تاریخ گذشتہ نہ چندان دورکشور را بخاطر بیآوریم۔ پس از عودت قطعات محدود نظامی اتحادشوروی،  
دولت برہبری دکتور نجیب اللہ توانست ب مدت دوسال قدرت سیاسی کشور را سرپایش نگہدارد۔ پس از  
بقدرت رسیدن بوریس یلسن در روسیہ، کمک های نظامی و لوژیستیکی آن کشور بدولت افغانستان متو  
قف گردید کہ پس از مدتی، حاکمیت طالبانی برکشور مسلط گردیدہ و "امارت اسلامی" بر بنیاد ضوابط  
قرون وسطایی شریعت اساس گذاشتہ شد۔

اما خاطر نشان میگردد کہ مذاکرات و گفتگوہای بین افغانی ممکن بہ مانع عمدہ ای برسرراہ تطبیق و  
اجرای عملی توافق ایالات متحدہ و "طالب" ہا پنداشتہ شود۔ علاوہ براین، تقصیر یادشدہ نہ تنها برعہدہ  
"طالب" ہا کہ با طرف مقابل (نمایندہ های اشرف غنی) بسازش تن دادہ اند، قرار دارد، بلکہ این تقصیر  
برعہدہ اشرف غنی نیز سنگینی خواہد نمود۔ ہدف عمدہ آرمانی آنها، حفظ قدرت و پایداری اقتدار کنونی  
بودہ و حاضرند حتا بہ بہای قربان نمودن پروسہ صلح کنونی و پارہ نمودن توافقنامہ های قبلی، بہ  
مأمول یادشدہ دسترسی حاصل نمایند۔

قابل یادہانی می باشد کہ عبداللہ غنی را بہ انحصار قدرت متہم نمودہ و اظہار نمود کہ نامبردہ سعی  
دارد در انتخابات پیشروی ریاست جمہوری، پست و مقام ریاست جمہوری را برای خودش محفوظ  
نگہدارد۔ عبداللہ ب مدت زمان شش سال تمام شخصن درصدد آن شد تا غنی را بہ تقسیم قدرت متقاعد  
سازد۔ گرچہ در این مسیر با اقداماتی نیز متوسل گردید، اما موفق نگردید تا بہ مأمول متذکرہ بگونہ کاملی  
دست یابد۔

کمیسیون انتخابات کہ بیشترین اعضای آنرا طرفداران و ہواخواہان غنی تشکیل می دادند، بہ باز شمار  
ی آرا پس از انتخابات ماہ میزان مبادرت ورزیدند۔ درنہایت امر، پس از چہار ماہ، بدون محاسبہ وبدون  
در نظر داشت ۳۰۰ ہزار رأی مورد مناقشہ، نتایج نہایی باز شماری آرا توسط کمیسیون انتخابات  
باطلاع عامہ رسانیدہ شد۔

اشرف غنی عجلہ نمودہ تلاش ورزید تا قبل از مذاکرہ و گفتگوہای صلح، مراسم تحلیف ریاست جمہو  
ری را بجا آورد۔ با بہرہ بردن از آرزومندیہای واشنگتن، بمنظور سازماندہی و انجام مؤفقانہ مذاکرات  
و گفتگوہای بین افغانی، نامبردہ مؤفق بہ کسب رضایت و اشنگتن در امر تداوم فرمانروایی اش برمسند  
ریاست جمہوری گردیدہ و در پست و مقام یادشدہ ابقاً گردید۔

در چنین وضعیتی، عبداللہ اقدام با ایجاد و تشکیل حکومت موازی مبادرت ورزید، اما بنظرمی رسد کہ  
واشنگتن نامبردہ را بانصراف از تلاش اینچنینی متقاعد نمود۔ این بدان مفهوم تلقی میگردد کہ امریکایی  
ہا با باجگیری غنی کنار آمدہ و نامبردہ را بمتابہ رئیس جمہور افغانستان برسمیت بشناسند۔

اما درمورد چگونگی سیر وقایع کنونی کشور باید افزود کہ تنها و صرف خود افغانہا قادر بہ ختم جنگ  
و نقطہ پایان گذاشتن بہ درگیری ہا در اراضی کشور می باشند۔

این کاملن واضح و میرهن است که خوشبینی های گسترده و فراوانی در مورد موجود می باشد تا ریسک ها و خطرات احتمالی در مورد خروج قوت های نظامی امریکایی از افغانستان را باید بحد اقل کاهش داد. ادارات استخباراتی امریکایی چنین می پندارند که گروههایی از تروریست ها و شبکه های مربوط بآنها، بگونه مثال "دولت اسلامی" در افغانستان نه تنها منافع ایالات متحده را مورد تهدید قرار داده بلکه برای "طالب" ها و دولت افغانستان نیز به منبع خطر و شانتاژ مبدل گردیده اند.

هیچ شخص و یا اشخاصی بهتر از کسانی که در خطوط مقدم جبهه های جنگ و نبردهای مسلحانه می رز مند و قربانی های بیشماری را متحمل می گردند، اهمیت حیاتی ختم جنگ و درگیری های مسلحانه را درک ننموده و ضرورت آنرا احساس نمی نمایند. جنگ و زد و خوردهای مسلحانه بگونه همزمان در هر دو جانب و هر دو طرف نبرد و مخاصمات کنونی باید متوقف گردد. در صورت عکس مطلب، بگونه مجدد بدوره های قبلی و سپری شده جنگ و درگیری ها مراجعت خواهیم نمود کاین هرگز بصلاح نمی باشد. در وضعیت کنونی، نظامیان امریکایی چنین می پندارند که منافع ملی ایالات متحده حکم می نماید تا بمنظور دفاع از مأمول یادشده بحضور طولانی مدت نظامی در افغانستان همچنان تداوم بخشند، بدین ترتیب خروج کامل قوت های حربی و فراخواندن نظامیان آن کشور، صرف روی کاغذ باقی خواهد ماند.

از همان اول امر و در مراحل نخستین آغاز پیرویه صلح و مصالحه، میان امریکایی ها این مسأله مطرح بحث قرار گرفت تا بمنظور سبک و سنگین نمودن و محاسبه منافع ایالات متحده، موجودیت تعداد نظا میان آن کشور در افغانستان باید معین و مشخص گردد تا از یکجانب از بازگشت عده ای از قوتهای نظامی ایالات متحده سخن در میان باشد و از جانب دیگر بخشی از نظامیان آن کشور (در حدود ۲۰۰۰ تن) نیز بمنظور تداوم مبارزه ضد تروریسم در اراضی افغانستان به موجودیت شان همچنان تداوم بخشند. اما اگر به شکار تروریست ها پرداخته و در عین زمان بآموزش ارتش و نظامیان افغان توسط مربیان امریکایی نیز مبادرت ورزند، ضرورت افزایش تعداد یادشده (نظامیان امریکایی) به ۵ هزار تن نیز احساس می گردد.

مهمترین مسأله ای که قبل از همه در مورد وضعیت کنونی کشور ما مطرح بحث می باشد، از جمله یکی هم نه تنها موجودیت نظامی در سرزمین کشور ما، بلکه آمادگی جامعه جهانی بمنظور تداوم کمک های مادی بدولت افغانستان پس از خروج قوت های نظامی خارجی از سرزمین و قلمرو مربوط به کشور ما می باشد.

کلید واقعی حل و فصل مسایل کشور ما و اینکه افغانستان عزیز می تواند وقادراست تا از شر جنگ و زد و خوردهای نظامی طولانی مدت استخلاص و رهایی یابد، در این واقعیت نهفته میباشد تا بگونه طولانی مدت از دولت افغانستان و از نیروهای امنیتی کشور ما پشتیبانی و حمایت همه جانبه بعمل آورند. اما بخا طر باید آورد زمانی که کشور ویتنام از هم پاشید و هلیکوپتر های امریکایی از محوطه سفارت آن کشور بهوا برخاستند، در نوع خود بمفهوم قطع کامل کمک های مادی ایالات متحده بود.

وضعیت افغانستان عزیز ما با وضعیت کشور یادشده، شباهت های بهم می رساند. از آنجایی که از نقطه نظرو طرز دید بسیاری ها، ایالات متحده و "طالب" ها به لطف موجودیت سازمان ها و دسته بندی های جداگانه مذهبی و بنیادگرا و درگام نخست "دولت اسلامی"، نه تنها باهم دشمن نبوده، بلکه متحدین زود گذر و مرحله بی محسوب می گردند.

در گذشته های نه چندان دور، نیروهای ویژه ایالات متحده با آنعده از بنیادگراهایی که نه تهدیدی به منافع امریکا، بلکه بیشتر برای "طالب" ها بمثابه خطر پنداشته می شدند، به مبارزه و نبرد می پرداخت. باوجود اینهمه، باید متذکر گردید که آیا جنگ و درگیری های نظامی کنونی در کشور ما همچنان تداوم حاصل خواهد نمود و یا به چنین درگیری ها در نهایت امر، نقطه پایان گذاشته خواهد شد.

حل و فصل مسأله یادشده بخود افغان ها ارتباط داشته و این افغان ها اند که مؤظف با اقدام عملی در مورد بوده، باهم کنار آمده و بمنظور ایجاد صلح پایدار و تحکیم امنیت در محدوده کشور عزیز ما، باهم کنار آمده و به جنگ و برادر کشی برای همیشه نقطه پایان بگذارند.